

به مناسبت روز جهانی زن
گردآفرین

گردآفرین

قهرمان داستانهای دیرین

جای پای اسب تو

هر روز

بر خاک سرزمین ما نقش می بندد،

نگار نیرومند باستان

در شیارهای چهره امروز جوانه می زنی،

گیسوانت را در زره می پوشانی

اما شمشیر تو برهنه است...

س. البرز

فرخنده باد هشتم مارس!

روز همبستگی رزمی و تجدید عهد با مبارزات زنان جهان در راه آزادی از ستم جنسی و برابری!

اعلامیه کمیته مرکزی به مناسبت هشتم مارس در ص ۳

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در ۱۳-مین
کنگره حزب کمونیست آلمان
سرمایه گذاری برای راه اندازی واحد های صنعتی - از ادعا تا
واقفیت در ص ۵
حزب توده ایران یورش به مراسم ختم سیاوش کسروی در
تهران را محکوم می کند در ص ۶

نامه
مردم
ارکان مرکزی حزب توده ایران
شماره ۴۷۴ ، نوره هشتم
سال یازدهم، ۸ اسفند ماه ۱۳۷۴

به یاد افسران دلاور توده ای افضلی و یاران



رفیق ناخدا یکم بهرام افضلی

دوازده سال پیش در شامگاه خونین ۶ اسفندماه ۱۳۴۲، ده تن از فرزندان شریف و آزاده خلق، به دستور سران رژیم ضد مردمی «ولایت فقیه» به جوخه های اعدام سپرده شدند. اینان هستند دلاوران سرافراز خلق و شهدای بزرگ مبارزات رهایی بخش کشور ما رفقاً:

ناخدا بهرام افضلی - فرمانده نیروی دریایی و چهره محبوب ارتش؛
سرهنگ هوشنگ عطاریان - مشاور وزیر دفاع، طراح و متخصص برجسته ارتش؛
سرهنگ بیژن کبیری، قهرمان جبهه های جنوب، فرمانده نامدار ارتش؛
سرهنگ حسن آذر فر، استاد دانشکده افسری و کارشناس دایره حقوقی؛
شاهرخ جهانگیری، عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران؛
فرزاد جهاد، کادر برجسته سازمان نوید؛
ورفقا: رضا خاضعی، خسرو لطفی، محمد بهرامی نژاد و ابوالفضل بهرامی نژاد - کادرهای حزبی سازمان نوید

ادامه در ص ۴

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

با تحریم «انتخابات» مبارزه علیه رژیم استبدادی حاکم را تشدید کنیم!

و اکنون در حدی است که نزدیک به نیمی از مردم در فقر بسر می برند و اقلیتی بسیار محدود از جمله سران جمهوری اسلامی و نزدیکان و وابستگان رژیم ثروت های بی حساب اندوخته اند. کارنامه سیاه این حاکمیت شامل مجلس چهارم، دولت رفسنجانی و قوه قضائیه آن روشن تر از آن است که ارزیابی آن کار دشواری باشد. به عنوان مشت نمونه خروار تنها کافی است بگوییم که در دوران این حاکمیت، و در پی اجرای سیاست های ضد ملی «تعدیل اقتصادی» که به خواست صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بر ملت ما تحمیل شد میلیاردها دلار بدهی خارجی (بیش از ۳۰ میلیارد دلار) بیار آورده است، تورم حتی بر اساس آمارهای رسمی به بیش از ۵۰٪ رسیده و در نتیجه قدرت خرید واقعی اکثریت عظیم مردم به شدت کاهش یافته است، میلیون ها ایرانی از کار بیکار شده اند و اکثر واحدهای تولیدی کشور در خطر ورشکستگی و بسته شدن قرار دارند. اگر بر این مجموعه اختناق افسار گسیخته و قرون وسطایی را که هر روز بخشی از جامعه را از زنان تا دانشجویان و دگراندیشان هدف قرار می دهد بیافزاییم تصویر نسبتاً روشنی از عملکرد و کارنامه رژیم «ولایت فقیه» به دست می آید.

هم میهنان گرامی!

بر این اساس است که ما معتقدیم شرکت در «انتخابات» مجلس پنجم، که عمدتاً جنگ قدرتی است میان دو جناح حاکمیت برای تصرف انحصاری قدرت سیاسی، تنها مشروعیت بخشیدن به ادامه حاکمیت رژیم استبدادی کنونی است. کمیته مرکزی حزب توده ایران همه مردم، خصوصاً کارگران و زحمتکشانشان کشور و نیروهای آزادی خواه و مترقی را فرا می خواند تا با تحریم این «انتخابات» فرمایشی به ادامه حکومت ارتجاعی «ولایت فقیه» نه بگویند.

تحریم «انتخابات» فرمایشی بی شک گام مهمی در تشدید مبارزه علیه رژیم غرق در بحران است و می تواند گام مهم و موثر در روندی باشد که به پایان رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در میهن ما بیانجامد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران - اسفندماه ۷۴

هم میهنان مبارز!
معرکه «انتخابات» فرمایشی رژیم استبدادی «ولایت فقیه» به پایان خود نزدیک می شود. همانطوریکه از ابتدای کار روشن بود در کشوری که ابتدایی ترین حقوق و آزادی های فردی، سیاسی و صنفی به شدید ترین شکل ممکن سرکوب می شود، سخن از برگزاری «انتخابات» و اجازه دادن به شهروندان برای انتخاب نمایندگان خود ادعای مسخره ای بیش نیست که اکثریت مردم میهن ما و نیروهای سیاسی مترقی و آزادی خواه کشور فریب آن را نخواهند خورد.
سران رژیم پنهان نمی کنند که هدف از برگزاری این «انتخابات» به وجود آوردن «مجلس شورا» بی است که در آن سرسپردگان و «ملنژمان» به «ولایت فقیه» جمع شوند و علی رغم خواست میلیون ها ایرانی ستم کشیده ادامه حیات رژیم واپسگرا و ضد مردمی کنونی را ممکن کنند. بدیهی است «مجلسی» که قرار است دژ استوار ارتجاع حاکم باشد و با «نظارت استصوابی» شورای نگهبان و یا بهتر بگوییم با نظر ارتجاعی ترین و واپسگراترین جناح های درون رژیم جمهوری اسلامی پدید آید نه تنها مایهتا قادر به تأمین خواست اکثریت مردم ما نیست بلکه از هرگونه مشروعیت قانونی نیز تهی است.

در حالی که گروهی از سران رژیم و وابستگان جناح حاکم («رسالت») تحقق «عدالت اجتماعی» و رسیدگی به وضع محرومان را در سرلوحه برنامه انتخاباتی خود قرار داده اند، واقعیت حداقل پنج سال گذشته حاکمیت این حضرات در کنار جناح دیگر، «خدمتگزاران سازندگی» نشان داده است که این حاکمیت در مجموع خود نه تنها به سرنوشت مردم و بازسازی ایران کوچکترین علاقه ای ندارند، بلکه در عمل مسؤل مستقیم بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی کنونی است که زندگی را برای میلیون ها ایرانی سخت و طاقت فرسا کرده است.

در دوران حاکمیت مشترک این دو گروه نه تنها گامی در راه تحقق عدالت اجتماعی برداشته نشده است، بلکه دره عمیق فقر و ثروت ابعاد بی سابقه ای یافته است

زنده باد آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

باز هم وامهای بیشتر

خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد که اخیراً یک بانک اسپانیایی موافقت نامه ای را برای اعطای ۲۰۰ میلیون دلار وام با بانک مرکزی ایران امضاء کرده است. این وام در دو بخش ۱۰۰ میلیون دلاری به جمهوری اسلامی پرداخت خواهد شد و وزارت دارایی اسپانیا بازپرداخت آن را تضمین کرده است.

چندی قبل نیز مشاور صدراعظم اتریش طی سفری در تهران اعلام کرده بود که اعطای اعتبارات بلندمدت (هشت سال و نیمه) به ایران، به تصویب «کنترل بانک» اتریش رسیده است. وی میزان وام مذکور را اعلام نکرد.

بهبود مناسبات عربستان سعودی و ایران

بنا به گزارش خبرگزاری چین، سلطان بن عبدالعزیز، وزیر دفاع عربستان سعودی، اخیراً در گفت و گویی با روزنامه عرب زبان «الشرق الاوسط»، چاپ لندن، ایران و عربستان سعودی را «مهم ترین دو کشور منطقه» نامید و اظهار داشت عربستان سعودی می خواهد «بهترین مناسبات ممکن را با ایران داشته باشد». علی اکبر ولایتی متقابلاً طی یک مصاحبه مطبوعاتی بر تقویت مناسبات جمهوری اسلامی و عربستان سعودی تأکید کرد و یادآور شد که «منافع ما ایجاب می کند مناسبات خوبی داشته باشیم». وی اظهار داشت: هرچند سیاست های خارجی جمهوری اسلامی و عربستان سعودی متفاوت است، اما دو کشور باید تلاش کنند اختلافات خود را کاهش دهند و نقطه نظرهای مشترک خود را با هدف برقراری آرامش در منطقه خلیج فارس تقویت کنند.

اختلاف نظر فرانسه و آمریکا در مورد تحریم ایران

ژاک شیراک، رئیس جمهور فرانسه در سفر اخیر خود به آمریکا، ضمن مخالفت با مصوبه مجلس سنای آمریکا در مورد مجازات شرکت هایی که با ایران داد و ستد دارند، تلاش فراوانی برای بی اثر گذاشتن این طرح به خرج داد. بیل کلینتون، رئیس جمهور آمریکا در پاسخ به ژاک شیراک گفت که می کوشد تا ترتیباتی فراهم آورد که دست رئیس جمهوری آمریکا در نحوه اجرای قانون باز باشد.

جهت هزینه های جاری خود در اختیار نخواهند داشت و گردش کار روزمره آنها منوط به کسب درآمد اختصاصی است. جامعه پزشکی ایران در این بیانیه هشدار داده است که «با توجه به عدم تعمیم چتر بیمه در کشور، اعمال مکانیسم های خصوصی سازی و خودگردانی در بیمارستان های دولتی موجب محروم ماندن اقشار وسیعی از نیازمندان از خدمات درمانی ضروری می شود».

جد شدن بیمارستان های زنان و مردان

به دنبال اجرای «آیین نامه انطباق امور پزشکی با موازین شرعی» در بیمارستان «شهید بهشتی» قم و اختصاص یافتن آن بیمارستان به «بیماران زن»، نزدیک به ۵۰۰ نفر از کارکنان مرد بیمارستان مذکور «بازخرید» (بیکار) شدند.

اخیراً ده ها نفر از کارمندان سابق مرد بیمارستان «شهید بهشتی» قم در اعتراض به عدم پرداخت وجه بازخرید خویش، تجمع اعتراض آمیزی در مقابل فرمانداری شهرستان قم برگزار کردند.

سقوط قدرت خرید کارگران

حسن صادق، مسؤول «کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران» در گفت و گو با خبرگزاری جمهوری اسلامی پیش بینی کرد که «عدم تعیین حداقل دستمزد کارگران بر اساس میزان واقعی تورم و سبب هزینه، قدرت خرید کارگران را در سال آینده به نصف تقلیل خواهد داد». وی در رابطه با اجرای طرح «بن کارگری» اظهار داشت: «سالانه شاهد کاهش میزان یارانه [سوسید] بن کارگری هستیم و این درحالی است که بن کارگری در حفظ قدرت کارگران تاکنون نقش مؤثری داشته است». صادقی در پایان با اشاره به اجاره بالای مسکن و سطح نازل «حق مسکن» کارگران مشمول قانون کار (۴۰۰ تومان در ماه)، خواهان افزایش حق مسکن کارگری شد.

آمار رسمی بدهی خارجی ایران

اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی با انتشار نشریه جدیدی تحت عنوان «نمانگرهای اقتصادی»، حجم کل بدهی های خارجی ایران را با احتساب تعهدات و همچنین بهره های آینده، ۳۰/۶ میلیارد دلار اعلام کرد.



سفر نماینده کمیسیون حقوق بشر به تهران

«موریس دانی کاپیتورن»، فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، روز ۲۱ بهمن ماه سال جاری وارد تهران شد. هدف از سفر وی تهیه گزارش راجع به وضعیت حقوق بشر در ایران برای ارائه به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد بود که اجلاس آن از ۱۸ مارس تا ۲۶ آوریل در ژنو تشکیل خواهد شد. «کاپیتورن» پس از پایان سفر ۶ روزه خود به تهران، که تاکنون جزئیات قابل توجهی از آن منتشر نشده است، به ژنو بازگشت و در اولین گفت و گوی خود اظهار داشت که در ایران موفق به دیدار بسیاری از کسانی که وی مایل به ملاقات با آنها بود، نشده است.

اعتراض جامعه پزشکی به حجم اعتبارات بهداشتی

«انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران» طی بیانیه ای به «کاهش اعتبارات بخش بهداشت و درمان در بودجه سال ۷۵» و «برنامه دولت جمهوری اسلامی در جهت خصوصی کردن و خودگردانی بیمارستان های دولتی» اعتراض کرد. در این بیانیه، «مشکل اصلی بهداشت و درمان کشور، عدم اختصاص سهم متناسبی از تولید ناخالص ملی» به این بخش ذکر شده است. سهم بهداشت و درمان از کل اعتبارات دولتی تنها ۱/۹ درصد است. در بیانیه مذکور همچنین آمده است که با کاهش اعتبارات بخش یاد شده در بودجه سال آینده، «بیمارستان ها و واحدهای درمانی در عمل اعتباری

چند خبر کوتاه از انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی

کروبی، دبیرکل «مجمع روحانیون مبارز»، طی مصاحبه ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی در رابطه با دلیل این امر اظهار داشت: «در شرایط فعلی مصلحت نیست که در این باره توضیحی داده شود».

• «صلاحیت» ۳۱ نفر از نمایندگان کنونی مجلس شورای اسلامی، که به جناح «رادیکال» اسلامی وابستگی دارند، توسط شورای نگهبان رد شد. از سوی دیگر، «صلاحیت» همه کاندیداهای «خدمتگزاران سازندگی» (وابسته به گروه رفسنجانی) توسط شورای نگهبان تأیید شد.

• محمد سلامتی، دبیرکل «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی»، کروبی، دبیرکل «مجمع روحانیون مبارز»، بیات، از اعضای مؤثر این مجمع و معاون مجلس سوم، محتشمی، وزیر کشور دولت موسوی، پیش بینی کردند که جناح رسالت اکثریت کنونی خود در مجلس چهارم را در انتخابات آینده از دست خواهد داد.

• یکی از کاندیداهای انتخابات در لیگودرز به وسیله سه موتور سوار «ناشناس» ترور شد.

شاه حسینی، حسن لباسچی، حسین موسویان و پرویز ورجاوند رسیده بود، «موضوع انتخابات را یک پرده نمایشی تکراری و بی محتوا و عاری از مشروعیت قانونی» شمرد و آن را تحریم کرد.

• «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران» طی «بیانیه شماره ۳ انتخاباتی» خود با اعتراض به «نظام انتخاباتی موجود و مکانیسم نظارت استصوابی» و با دو شعار «آزادی» و «عدالت»، خواستار «لغو نظارت استصوابی» شورای نگهبان و کنار گذاشتن «سیاست تعدیل اقتصادی» شد. این سازمان در بیانیه خود، ضمن پیش بینی اقدامات «غیرقانونی» جناح حاکم (رسالت) علیه خود، تنها «راه صحیح» را «شرکت فعال توأم با حفظ اصول» در انتخابات دانست. این سازمان نام ۱۶ نفر را به عنوان نامزدهای انتخاباتی خود به وزارت کشور اعلام داشت، که اکثر آنها، از جمله بهزاد نبوی که در انتخابات دوره چهارم مجلس «صلاحیت» وی رد شده بود، از صافی شورای نگهبان گذشتند.

• روزنامه «سلام» اعلام کرد که «مجمع روحانیون مبارز» هیچ کاندیدایی معرفی نکرد.

• معاون وزارت کشور جمهوری اسلامی، تعداد کل کسانی را که برای شرکت در انتخابات کاندید شده اند ۵۳۵۹ نفر اعلام کرد. از این تعداد، ۱۲۳ نفر روحانی و نزدیک به ۲۷۰ نفر زن هستند. صلاحیت حدود ۲۲۰۰ تن از این کاندیداهای انتخاباتی توسط شورای نگهبان رد شد.

• سیزده تن از شخصیت های ملی (۶ نفر از رهبران «نهضت آزادی ایران» و بقیه از ملیون مستقل یا وابسته به گروه های کوچک) طی یک اطلاعیه مشترکی، ضمن اعلام رتوس برنامه پیشنهادی خود برای «حل بحران های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کنونی» و افشای سیاست های سرکوبگرانه حاکمیت، به عنوان «منفرد» برای شرکت در انتخابات کاندید شدند. شورای نگهبان تنها «صلاحیت» سه تن از این سیزده نفر - مهندس عزت الله سبحانی، مهندس هاشم صباغیان و دکتر ابراهیم یزدی را برای شرکت در انتخابات دوره پنجم مجلس «تأیید» کرد.

• «هیأت اجرایی جبهه ملی ایران» (در داخل کشور) طی بیانیه ای که به اعضای علی اردلان، حسین

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت:



هشتم مارس - روز جهانی زن

کمیته مرکزی حزب توده ایران، فرارسیدن روز هشتم مارس، روز جهانی زن را به همه زنان تحت ستم اما بیدار و مبارز ایران شادباش می گوید.

زنان میهن ما، از همان ابتدای استقرار رژیم «ولایت فقیه» در کشور، در زمره محروم ترین و سرکوب شده ترین قشرهای تحت ستم جامعه قرار گرفتند و طعم آزادی واقعی را، که یکی از سه خواست عمده انقلاب بهمین ۵۷ مردم ایران بود، نچشیدند. اما آنها هیچگاه مقهور نیروهای سرکوبگر و زن ستیز حاکم بر ایران نشدند و در تمامی طول دوران پس از انقلاب، همواره در صف مقدم مبارزات توده های مردم علیه سرکوب و اختناق و در دفاع از آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی حضور داشتند. تاریخ پانزده ساله گذشته مبارزات مردم زحمتکش ایران علیه دیکتاتوری و استبداد مملو از صفحات زرینی است که در آنها نقش فعال و تعیین کننده زنان ایران با برجستگی چشمگیری به ثبت رسیده است.

از مبارزه اسطوره ای زندانیان سیاسی زن در زندان های جمهوری اسلامی علی رغم شکنجه های وحشیانه و غیر انسانی دژخیمان و قهرمانی های کم نظیری تا یکبار زنان کارگر، دهقان و زحمتکش علیه سیاست های ارتجاعی، کارگر ستیز و زن ستیز حاکمیت رژیم «ولایت فقیه»، که هدف اساسی اش خارج کردن زنان از صحنه اجتماعی است زنان ایرانی نشان داده اند که حاضر نیستند در مقابل امیال استبداد حاکم تسلیم شوند.

کمر کنشوری در جهان را می توان یافت که هیأت حاکمه آن اینچنین قوانین و ضوابط زن ستیزانه ای را تصویب کرده باشد. پاکسازی وسیع زنان از ادارات دولتی، تصویب قوانین غیر انسانی که با زنان به مثابه موجودات «ناقص الخفله ای» برخورد می کند که می بایست برای اتخاذ مهمترین تصمیم ها در زندگی شان اجازه از مردان را بگیرند، در کنار این بردن بسیاری از حقوق مدنی زنان از جمله حق کفالت فرزند و تنزل سن ازدواج تا حد نه سال که در واقع ستم نابخشودنی است علیه کودکان کشور ما، همگی بخشی از مجموعه دهشتناکی از سیاست هایی است که رژیم وایسگرا و ضد مردمی «ولایت فقیه» بر میهن ما تحمیل کرده است.

علی رغم همه این فشارهای زن ستیزانه رژیم و کوشش های حکام وایسگرای جمهوری اسلامی برای خانه نشین کردن زنان و جلوگیری از شرکت آنها در فعالیت های اجتماعی، زنان میهن ما از هر محمل ممکن برای تضمین و تثبیت حضور خود در عرصه های گوناگون استفاده کرده اند و تا جایی که شرایط دشوار اجتماعی اجازه می داده است آنان را وادار به عقب نشینی کرده اند. حضور دهها و صدها زن سرشناس نویسنده، شاعر، محقق، حقوق دان، روزنامه نگار، مترجم و ناشر، که علی رغم همه محدودیت های تحمیلی شده از سوی رژیم، هر روز مقالات، کتب تحقیقی و متون پژوهشی و تاریخی ارزنده ای را در دفاع از حقوق اجتماعی زنان در کشور منتشر می کنند؛ ظهور چندین تهیه کننده و کارگردان سینمایی زن که موفق به ارائه کارهای وزین تأثیری و سینمایی شده اند و نامشان نه

فقط در ایران، بلکه در سطح جهان، برسر زبانها است؛ روی آوری روزافزون زنان به تحصیلات عالی و احراز مدارج عالی تحصیلی تا حد دکتری، علی رغم محدودیت های وایسگرایانه تحمیل شده از سوی رژیم؛ برگزاری سمینارهای متعدد در رابطه با حقوق زنان به ابتکار استادان زن دانشگاه ها و مجلات مربوط به زنان؛ شکل گیری دهها تشکل خودجوش صنفی و شغلی زنان؛ حضور ده ها هزار زن و دختر جوان در مراکز ورزشی علی رغم محدودیت های تحمیل شده از سوی رژیم؛ حضور فعال زنان در مبارزات سیاسی علیه سیاست های زن ستیزانه رژیم و طرح صریح مخالفت ها با تحمیل «موازین شرعی» به زنان؛ نقش فعال زنان زحمتکش در جنبش های اعتراضی کارگری و توده ای؛ همه و همه حاکی از این است که زنان ایران، علی رغم دشوارترین شرایط موجود، هیچ گاه از مبارزه برای احقاق حقوق اجتماعی خود دست برنداشته اند. این مبارزه زنان همچنان در بطن جامعه به شدیدترین شکل جریان دارد و ما هر روز شاهد بروز نمونه های تازه آن هستیم. تردیدی نیست که این مبارزات قهرمانانه زنان ایران، در پیوند با مبارزات آزادی خواهانه، حق طلبانه و عدالت جویانه دیگر اقشار زحمتکش و تحت ستم میهن ما، هر روز به پیروزی نهایی نزدیک تر می شود.

زنان مبارز ایران!

امسال شما روز هشتم مارس را در شرایطی جشن می گیرید که وایسگرا ترین و زن ستیزترین جناح های حاکم در رژیم استبدادی «ولایت فقیه»، یعنی جناح رسالت-حجتیه، همه نیروی خود را برای قبضه کامل قدرت حکومتی و سرکوب خشن همه آزادی ها در کشور ما به کار گرفته اند. این وایسگرایان، که از انتخابات دوره های پیشین برای تصفیه مخالفان خود از درون نهادهای حکومتی بهره جسته بودند، این بار می کوشند با استفاده از معرکه انتخابات، همه صداهای مخالف در سطح کل جامعه را نیز در گلو خفه کنند. برای این جناح، معرکه انتخاباتی دوره پنجم مجلس شورای اسلامی امروز به وسیله ای برای خارج کردن همه مخالفان و دگراندیشان از صحنه سیاسی و تحمیل ارتجاعی ترین دیدگاه های فقه سنتی بر همه نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه بدل شده است. نگاهی به دیدگاه های سردمداران این جناح در مورد حقوق زنان بیانگر ابعاد فاجعه ای است که در صورت قبضه کامل قدرت توسط این جناح به ویژه در انتظار زنان ایران خواهد بود. آذری قسمی، ایدئولوگ مذهبی این جناح در کتاب «سیمای زن در اسلام» می نویسد: «حجاب باید به گونه ای باشد که مرد نتواند زن را ببیند و زن نتواند مرد را ببیند، در حالی که چادر چنین نیست». او در جای دیگر این کتاب تأکید می کند: «پس این که در کشور ما و سایر کشورهای اسلامی مرسوم است که خانم ها از مغازه خرید کرده و هیچ برده ای بین آنها حایل نباشد، مخالف دستور است».

بدین ترتیب، این جناح نه فقط حتی به چادر هم راضی نیست، بلکه به دنبال «جداسازی» کامل زنان و مردان در همه عرصه های اجتماعی، و تحمیل بیش از پیش یک زندگی اسارتبار به زنان ایران است. نمونه های متعدد یک چنین سیاستی از هم اکنون در سطح جامعه در حال پیاده شدن است. از جمله آخرین و مهم ترین اینگونه سیاست ها - که از مدتها قبل با پرده کشیدن در کلاسهای درس دانشگاهی، جدا کردن اتوبوس ها و وسایل نقلیه عمومی، سینماها و تئاترها شروع شده بود - صدور «آیین نامه انطباق امور پزشکی با موازین شرعی» در بیمارستان های دولتی است که با جدا کردن خدمات بهداشتی زنان از مردان، تحمیل «موازین شرعی» را حتی به قیمت به خطر انداختن جان زنان، مجاز اعلام می کند. نمونه های متعدد دیگری، مانند مصوبه اخیر مجلس در مورد «حق کشتن زن توسط شوهر بدون پرداخت دیه» در صورت «خیانت زن» نیز هستند که مجال پرداختن به آنها در اینجا نیست. آنچه روشن است این است که، همان طور که گفته ها و عملکردهای رهبران این جناح نشان می دهد، جناح ارتجاعی وابسته به سرمایه تجاری امروز خود را برای یک یورش همه جانبه به بقایای حقوق زنان ایران آماده می کند. و مخالفان این جناح، از جمله جناح رفسنجانی ضمن همراهی با تصویب اینگونه مقررات ارتجاعی و زن ستیزانه، با مردم فریبی کامل به قرار دادن چند «کاندیدای زن» در لیست های انتخاباتی خود بسنده می کند. میهن ما دوران دشوار و سرنوشته سازی را از سر می گذراند. رژیم ضد مردمی «ولایت فقیه» مصمم است علی رغم همه فجایع و بدبختی های که برای مردم و کشور ما پدید آورده است به حیات خود به هر قیمتی ولو نابودی تمام کشور و تشدید اختناق و سرکوب ادامه دهد. تنها راه مقابله با این روند مخرب سازماندهی، تشکل و تشدید مبارزه است. باید متحداً به ادامه استبداد نه گفت. از جمله عرصه های دیگر مهم مبارزه زنان کشور ما در حال حاضر مبارزه علیه سیاست «جداسازی» که امروز به وجه مهمی از سیاست نیروهای ارتجاعی علیه زنان ایران بدل شده است از یک سو، و مبارزه فعال در راه به رسمیت شناختن و پیاده کردن مصوبات و قطعنامه های کنفرانس بین المللی زنان در پکن، که سران رژیم نه فقط حاضر به امضای آنها نشدند بلکه با تمام نیرو کوشیدند آنها را کم اهمیت جلوه دهند، از سوی دیگر، از جمله عرصه های مهمی است که می تواند در دستور کار مبارزات زنان میهن ما قرار گیرد.

زنان قهرمان ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران بار دیگر فرارسیدن روز جهانی زن را به شما زنان مبارز ایران تهنیت می گوید. حزب ما همواره دوشادوش شما زنان قهرمان ایران برای دستیابی به حقوق برابر اجتماعی رزمیده است و به این مبارزه تا پیروزی نهایی زنان و دیگر زحمتکشان ایران علیه استثمار و سرکوب طبقاتی و جنسی قاطعانه ادامه خواهد داد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

اسفندماه ۱۳۷۴

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در سیزدهمین کنگره حزب کمونیست آلمان



سیزدهمین کمیته مرکزی حزب توده ایران در روزهای سوم و چهارم فوریه در شهر دورتموند برگزار شد. کنگره با حضور ۲۲۸ نماینده و ۳۱ هیأت نمایندگی از احزاب برادر، از جمله نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران و با سخنرانی رفیق هانتز اشتر، سخنگوی حزب کار خود را آغاز کرد. رفیق اشتر در سخنان خود ضمن خوش آمد به هیأت های نمایندگی احزاب برادر، به توضیح

اوضاع جهان و آلمان پرداخت و سیاست های نوین جنگ طلبانه و عظمت طلبانه امپریالیسم آلمان را در کنار رشد سیاست های راستگرایانه دولت هلموت کهل - کینکل، خارجی ستیزی در عرصه های مختلف، ایجاد محدودیت در آزادی ها و حقوق دموکراتیک مردم را، خصوصاً پس از «اتحاد» دو آلمان شدیداً مورد انتقاد قرار داد. رفیق اشتر همچنین ضمن اشاره به دخالت های هیأت حاکمه آلمان در جنگ داخلی یوگسلاوی اعزام ۴۰۰۰ سرباز آلمانی به یوگسلاوی را که مغایر قانون اساسی این کشور است محکوم کرد.

رفیق اشتر همچنین در سخنرانی خود دستگاه قضایی آلمان را به خاطر پیکرد دولتمردان سابق جمهوری دموکراتیک آلمان به باد انتقاد گرفت. یکی از موضوع های مهم بحث در کنگره مسأله اتحاد نیروهای کمونیستی در آلمان بود. به دعوت حزب کمونیست آلمان هیأت نمایندگی پلاتنوم کمونیستی از حزب «سوسیالیسم دموکراتیک آلمان» (PDS) در کنگره حضور یافت و نماینده آن در میان ابراز احساسات گرم حاضران سخنرانی کرد. در جریان این بحث ها اظهار امیدواری شد که روند اتحاد میان جریان های کمونیستی آلمان که اکنون پنج سال مورد بحث و مذاکره گروه های مختلف است با موفقیت به سرانجام خود نزدیک شود.

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در پیام خود به کنگره خود از جمله گفت:

« گرم ترین دروهای کمیته مرکزی حزب توده ایران و همه اعضا و هواداران حزب مان را به شما و از طریق شما به همه نیروهای مترقی کشورتان تقدیم می کنم... ما به خوبی از شرایط دشوار مبارزه شما آگاهیم و از نزدیک با پیکار طولانی و خستگی ناپذیر شما نیز آشنا هستیم. بی دلیل نیست که حزب کمونیست آلمان علی رغم یورش های مداوم نیروهای ارتجاعی و فرصت طلب توانسته است همچنان به مبارزه خود در راه تحقق حقوق کارگران و زحمتکشانشان کشورتان ادامه دهد...

ما کمونیست های ایرانی همواره به پیکار شما به دیده احترام نگریسته ایم و همواره از روابط گرم و نزدیکی با شما برخوردار بوده ایم...»

نماینده کمیته مرکزی سپس به تشریح اوضاع دشوار کنونی میهن ما و نظرات و مواضع حزب توده ایران در این زمینه پرداخت.

در جریان کنگره نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران با نمایندگان احزاب برادر از کشورهای مختلف

دیدار کرد و آنان را در جریان آخرین تحولات کشور قرار داد. به ابتکار نماینده حزب بیانیه ای در همبستگی با مردم ایران از سوی احزاب شرکت کننده انتشار یافت. بخش هایی از بیانیه و اسامی احزاب امضاء کننده آن به شرح زیر است.

بیانیه همبستگی

خبرهای نگران کننده ای از ایران به ما می رسد. رژیم ضد مردمی حاکم در مقابل اوج گیری نارضایتی توده ها و تشدید بحران اقتصادی - سیاسی و برای ادامه حیات همچنان به سرکوب خشن حقوق بشر و آزادی ها و حقوق دموکراتیک مردم ایران ادامه می دهد...

ما ضمن محکوم کردن این اعمال خواران ادامه رسیدگی مراجع و سازمان های بین المللی به سرکوب حقوق بشر در ایران هستیم... ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی ایران هستیم. ما خواهان پایان سرکوب خشن حقوق و آزادی های دموکراتیک در ایران هستیم.

- حزب کمونیست آلمان
- حزب کمونیست سوئد
- حزب کمونیست لوگزامبورگ
- حزب کمونیست ترکیه
- حزب کمونیست رفاوندسیون - ایتالیا
- حزب کمونیست بریتانیا
- حزب کمونیست عراق
- حزب کار بازل - سوئیس
- حزب کمونیست دانمارک
- مجمع کمونیست های دانمارک
- سازمان جنبش های کمونیستی یوگسلاوی
- حزب کمونیست شیلی
- حزب کمونیست پرتغال
- حزب کمونیست اسپانیا
- حزب کمونیست خلق های اسپانیا
- حزب کمونیست هلند
- جبهه آزادی بروندی

به یاد افسران دلاور ...

از همان نخستین دقایق دستگیری این رفقا زیر وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفتند تا رژیم بتواند در نبود حتی یک برگ سند معتبر اتهامات بی پایه و دروغین «جاسوسی» و «توطئه» را به آنان وارد کند. ولی مقاومت و پایداری این رفقا به ویژه رفقا افضل، کبیری، آذرفر و شاهرخ جهانگیری در کمیته مشترک و دفاعیات مستدل و دلیرانه آنان در بیدارگاه نظامی رژیم این توطئه ها را نقش بر آب کرد. امروز روشن است که بخش مهم و اساسی دفاعیات رفقا افضل، عطاریان، کبیری و آذرفر توسط رژیم سانسور و در بایگانی وزارت اطلاعات مدفون شد.

حماسه مقاومت و پایداری این رفقا در دوران زندان و در آخرین لحظات زندگی شان از صفحات پر افتخار تاریخ حزب ما و جنبش انقلابی مردم کشور ماست. در عصر روز ۶ اسفند، در آستانه نوزدهم، لاجوردی جلاد، پیش از به اجراء درآوردن احکام اعدام، ده رفیق توده ای را به حسینه اوین آورد. هدف خرد کردن روحیه مبارزان توده ای، ناخدا افضل و یاران او پیش از اعدام بود. توده ای ها و دیگر زندانیان سر موضع چپ را از سالن شماره ۳ زندان اوین و سلول های انفرادی به حسینه آوردند و در محاصره پاسداران و توابعین قرار دادند. زندانیان سیاسی سر موضع پیش از ورود ۱۰ رفیق توده ای و پس از خروج آنان از حسینه به شکل وحشیانه ای مورد شتم ضرب قرار گرفتند. حسینه از شعارهای ضد توده ای پاسداران و توابعین به خانه وحوش تبدیل شده بود و ده توده ای دلاور در محاصره چند پاسدار به حسینه آوردند. ناخدا افضل پیشاپیش صف ده نفر بود. با ورود رفقا پاسداران شعار «جماران گلباران - توده ای تیرباران» را سردادند. و سپس شعار «افضلی اعدام باید گردد» داده شد. لاجوردی از بلندگوی حسینه توابعین و پاسداران را به سکوت دعوت کرد و پس از توهین های زشت به حزب توده ایران از یک یک رفقا خواست صحبت کنند. رفیق سرهنگ آذرفر چشم در چشم جلاد دوخت و با غروری سرکش سر خود را به علامت نه قاطعانه تکان داد. حرف در گلولی لاجوردی خشکید، رفیق بهرامی نژاد نفر بعدی بود که نه بگوید. رفیق عطاریان از شکنجه ها گفت و سپس رفیق جهانگیری پشت بنلوگو قرار گرفت و با این شعر حافظ شروع کرد:

در نظر بازی ما بی خیران حیرانند

من چنینم که نمودم دگر ایشان دانند ...

و سپس دست خود را به طرف لاجوردی نشانه گرفت و این بیت را خواند:

وصف رخساره خورشید ز خفاش میرس
که در این آینه صاحب نظران حیرانند.

دلاوران توده ای با سری افراشته و قلبی به پاکی و عظمت انسان واقعی حسینه را ترک نکردند و رفیق فرزاد جهاد در حال خروج دست های خود را بالا برد و علامت پیروزی را به جمع نشان داد. دلاوران توده ای پس از نوشتن وصیت نامه های خود با روبوسی و دادن شعار زنده باد حزب توده ایران به سوی اتاق مرگ رفتند و در راه با هم ترانه «گل آمد بهار آمد، ..» را زمزمه می کردند. افضل و یاران همچون روزبه، سیامک، میشی، انوشه و کیوان جاودانه شدند. بذرهایی که این رفقا در میهن ما و در صفوف نیروهای مسلح کاشتند، حتماً بارور خواهد شد. یادشان گرمی و جاوید و راهشان بر رهرو باد!

برف اسفند به البرز چو آرام نشست
تیر جان سوز پر سینه بهرام نشست
بانک تیر از سر زندان اوین چون برخاست
تنگ بر دامن آن حاکم بدنام نشست

رباعی رسیده از ایران به یاد افضل و یاران

«سرمایه گذاری برای راه اندازی واحدهای صنعتی»: از ادعا تا واقعیت

داران این بخش، که در حال حاضر تعداد قابل توجهی از خود سران رژیم و خانواده های آنان تشکیل شده است، هیچ علاقه ای به سرمایه گذاری در بخش صنعتی و رشته های مختلف آن ندارند. همان طور که تجربه بیش از یک دهه گذشته روند خصوصی سازی نشان داده است، بخش بزرگی از واحدهای صنعتی، پس از واگذاری به بخش خصوصی یا به کلی تعطیل شده اند و یا به وسیله ای برای بورس بازی و اندوختن ثروت هرچه بیشتر بدل شده اند. بیکاری فزاینده ناشی از این روند، از هم اکنون به فقر و بیخانمانی بخش بزرگی از کارگران و زحمتکشان ایران انجامیده است. به عنوان مثال، تنها در طول یک سال گذشته، بیش از هشت هزار نفر از کارکنان شرکت ها و کارخانجات وابسته به «سازمان گسترش صنایع ایران» از کار اخراج و بازخرید شده اند. و یا، طبق آمار رسمی دولتی، در فاصله سال های ۱۳۶۳ تا ۷۰، بر اثر سیاست «تعدیل نیروی انسانی» و خصوصی سازی، تعداد کارگران شاغل در صنایع سنگین بخش دولتی، از ۷۳ هزار نفر به ۶۸ هزار نفر کاهش یافته است. گسترش بیکاری ناشی از اینگونه سیاست ها، کار را به جایی رسانده است که مسؤولان «خانه کارگر»، که در وابستگی شان به رژیم تردیدی نیست، گسترش بیکاری را به عنوان بزرگترین مشکل جامعه کارگری اعلام کرده اند.

شکی نیست که یک چنین وضع فاجعه باری را تنها از طریق افزایش سرمایه گذاری در بخش های صنایع و کشاورزی اقتصاد و محدود کردن جدی بخش تجارت و دلالتی می توان پایان داد. و ما نیز بارها اعلام کرده ایم که مخالف هر نوع سیاست «انزواطلبانه» در عرصه اقتصاد ایران هستیم. اما در عین حال، قاطعانه معتقدیم که در غیاب یک برنامه صنعتی سازی علمی و همه جانبه، هرگونه سرازیر کردن سرمایه های کشور به حلقوم بخش خصوصی، به ویژه بخش خصوصی تجاری-دلال ایران، که بر اثر سیاست لجام گسیخته خصوصی سازی دولت هر روز فربه تر و پراشتها تر نیز می شود و سهم بزرگتری از ثروت و قدرت را برای خود طلب می کند، تنها به فاجعه های بسیار بزرگتر، نه فقط برای صنایع کشور، بلکه برای کل منافع و مصالح ملی ایران و مردم و زحمتکشان میهن ما منجر خواهد شد.

جلوگیری از فاجعه ای که امروز گریبانگیر مردم زحمتکش ایران شده است تنها از طریق ایجاد تحولات بنیادی در ساختار سیاسی جامعه و کوتاه کردن دست سرمایه داران بزرگ حاکم از سرنوشت مردم ایران امکان پذیر است. و این نیز جز از طریق اتحاد عمل و مبارزه مشترک همه نیروهای آزادیخواه و مردمی علیه استبداد و دیکتاتوری حاکم بر کشور، که اکنون در کالبد رژیم «ولایت قبیله» تبلور یافته است، ممکن نخواهد بود. ■

به «شکوفایی صنعتی جامعه» بیانجامد، دقیقاً هدف سربوش گذاشتن بر این واقعیت های غیرقابل انکار بحران موجود را دنبال می کند. شاهد این مدعا نیز سمیناری است که در خصوص این مسایل، تحت عنوان «سرمایه گذاری و تولید، موانع و راه حل ها» اخیراً در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران برگزار شد. پاره ای از آمار و ارقام مطرح شده در این سمینار گویای واقعیت هایی است که حزب ما در این زمینه مکرراً بر آنها انگشت گذارده است - آمارهایی که مشت مسؤولان رژیم را در مورد ادعاهای دروغنیشان بازی می کنند.

در این سمینار، علینقی خاموشی، بزرگ سرمایه دار و رییس اتاق بازرگانی جمهوری اسلامی، ضمن ارائه آماری در مورد افت سرمایه گذاری صنعتی در کشور، اذعان کرد: «نرخ سرمایه گذاری از ۳۰۵ میلیارد ریال در بخش صنعت در سال ۱۳۵۵ به ۵۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۳ سقوط کرده است». او در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «... در حال حاضر علی رغم تلاش های فراوان مسؤولین [!!!]، هنوز سرمایه گذاری صنعتی در کشور پرخطر و کم بازده است و بالعکس، به علت سودآوری، سرمایه گذاری نوع دیگر پرجاذبه است».

البته منظور آقای خاموشی از «سرمایه گذاری نوع دیگر»، همان فعالیت های غیرمولد و انگلی در بخش تجارت و دلالتی است که مسؤولان رژیم و تجار بزرگی چون خود آقای خاموشی مروجان اصلی آن هستند، و درست به همین دلیل است که ایشان آگاهانه از بردن نام «سرمایه گذاری های نوع دیگر» خودداری می کنند. آقای خاموشی به خوبی می داند که رشد سرطانی همین «سرمایه گذاری های پرجاذبه» بوده است که اقتصاد ایران را به ورطه بحران همه جانبه کشانده است و فساد و واپس ماندگی عمیقی را در سطح جامعه دامن زده است. آنچه که اینگونه سرمایه گذاری ها را برای امثال آقای خاموشی و دیگر سرمایه داران تجاری «پرجاذبه» می کند، این است که در حال حاضر، طبق آمار رسمی خود رژیم، میانگین سود سرمایه گذاری در بخش های کشاورزی و صنعتی اقتصاد بین ۲۰ تا ۳۰ درصد است در حالی که سود سرمایه گذاری در فعالیت های تجاری - دلالتی به ۱۰۰ درصد می رسد! بیهوده نیست که به اقرار آقای خاموشی در سمینار دانشگاه تهران، «در حال حاضر بخش صنعت تنها ۱۶ درصد تولید ناخالص داخلی کشور را شامل می گردد».

برنامه ریزان اقتصادی رژیم در شرایطی به سرازیر کردن سرمایه های کشور به حلقوم بخش خصوصی مشغولند که طبق اذعان خودشان سرمایه

یکی از بزرگترین دشواری های امروز در ساختار اقتصادی ایران، عدم رشد و بازسازی و نوسازی رشته های گوناگون صنعت است که به بحران ژرف و رکود صنایع، به ویژه صنایع مادر، در کشور مانجا می دهد.

رژیم «ولایت قبیله»، بنا به ماهیت واپس مانده و انگلی خود، بافت تولیدی و زیربنای صنعتی کشور را بیش از گذشته به ورطه فروپاشی و سقوط کشانده است. و این امری نیست که امروز بر کسی پوشیده باشد.

اما، علی رغم حقایق آشکار، سران و مسؤولان رژیم هر چند گاه یکبار درباره راه اندازی، تکمیل و رشد نرخ سرمایه گذاری در صنایع ایران داد سخن می دهند و آمارهای دروغین و غیرواقعی را به منظور خوراک تبلیغاتی به مردم عرضه می دارند. به عنوان نمونه، چندی پیش خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد: «با اعتبار ۱۳۶ میلیارد ریالی در بودجه عمرانی وزارت صنایع برای سال آینده [۱۳۷۵]، بیش از یکهزار واحد صنعتی نیمه تمام تکمیل و راه اندازی خواهند شد». در همین خبر همچنین آمده است که تمامی این واحدهای نیمه تمام متعلق به بخش خصوصی هستند.

به دنبال این خبر، معاون امور مالی وزارت صنایع نیز اعلام کرد: «... بودجه عمرانی وزارت صنایع در سال ۱۳۷۵، نسبت به بودجه امسال ۴۸ درصد افزایش نشان می دهد». وی همچنین بر واگذاری کارخانه های دولتی به بخش خصوصی تأکید کرد و اعلام داشت: «تاکنون ۱۲۰ واحد صنعتی تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران و ۲۰ کارخانه تحت پوشش سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران به بخش خصوصی واگذار شده است».

پیرو همین خبرها، «سازمان سرمایه گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران» اعلام کرد که «تا پایان آبان ماه گذشته، میزان سرمایه گذاری خارجی در ایران بیش از یک میلیارد دلار بوده است که نسبت به سرمایه گذاری ۲۰۰ میلیون دلاری سال ۱۳۷۳، حدود ۵۰۰ درصد رشد نشان می دهد». لازم به یادآوری است که این سرمایه گذاری های خارجی مشمول معافیت های متنوع مالیاتی و گمرکی است و سرمایه گذاران خارجی می توانند سود حاصل از این سرمایه گذاری ها را به صورت ارز از کشور خارج کنند.

مجموعه این سیاست گذاری ها و تبلیغات رژیم نشانگر برنامه هدفمندی است که تحت عنوان «تعدیل اقتصادی» به دستور بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در کشور ما به اجرا گذاشته شده و می شود. پرواضح است که این سیاست ها به دلیل عدم تطابق با ساختار اقتصادی - اجتماعی کشور و همچنین به دلیل پیامدهای فاجعه بار خود، تنها به تشدید بحران های همه گیر اقتصادی و اجتماعی دامن زده اند.

آنچه معاون امور مالی وزارت صنایع با بوق و کرنا به عنوان رشد ۴۷ درصدی اعتبار عمرانی برای تکمیل و راه اندازی صنایع عنوان می کند، و آن آماری که به اصطلاح رشد ۵۰۰ درصدی سرمایه گذاری خارجی را نشان می دهد، و از قرار می رود تا

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

مصاحبه با رفیق عباوی ...

ج- از اواخر ۱۹۹۱ که رژیم عراق مجبور به ترک کردستان شد، کردستان عراق توسط یک دولت مرکب از احزاب کرد اداره می شود. در آن زمان جبهه کردستان عراق که از جمع ۷ حزب فعال در کردستان، منجمله حزب کمونیست عراق تشکیل شده بود. توافق کردند که علی رغم تمامی مشکلات این دولت حفظ شود. البته بعدها انتخاباتی برای پارلمان در کردستان صورت گرفت. در نتیجه معامله ای که بین دو حزب بزرگ کردستان صورت گرفت عملاً همه نیروهای دیگر از پارلمان کنار گذاشته شدند. اعتراضات فراوانی علیه نتیجه انتخابات، علیه معامله دو حزب صورت گرفت. علی رغم این ما فکر کردیم که وظیفه ماست در دولت شرکت کنیم به ما قول داده شد که یک انتخابات جدید، آزاد و بدون تقلب انجام خواهد شد و ما در دولت شرکت کردیم. متأسفانه اوضاع آن طوری که ما آرزوی می کردیم پیش نرفته است. دو حزب اصلی و عمده کردستان از اینکه مردم کردستان را وارد مرحله ای کنند که آزادی را تجربه کنند بازمانده اند. انتظار نیروهای دموکراتیک این بود که کردستان مدلی و الگویی برای عراق دموکراتیک آینده باشد به جای اینکه این تجربه بصورت دموکراتیک توسعه و تحول پیدا کند، دو حزب، تلاش کرده اند که همه چیز را در کردستان بین خود تقسیم کنند. از بالاترین مناصب نظامی و کادر های عالی رتبه دولتی تا سطح کادرهای عادی، آنها عملاً کشور را به دو قسمت و بین خود تقسیم کرده اند.

این دو حزب، یکی جبهه میهنی کردستان و دیگری حزب دموکرات کردستان عراق هستند. از سوی دیگر تصادمات و برخوردها منجر به از سرگیری مشکلات و اختلافات قدیمی این دو حزب شده است. کوشش های ما و دیگر احزاب کرد در جهت محدود کردن درگیری ها، پیدا کردن راه حل دموکراتیک و صلح آمیز برای اختلافات بوده است. ما سعی داریم تفهیم کنیم که این تقسیم ۵۰-۵۰ کردستان خود یک دلیل اختلافات و درگیری هاست. راه حل به منظور غلبه بر مشکلات و جامه عمل پوشاندن به تصمیمات سیاسی ائتلاف تمامی احزاب کردستان می باشد. تمامی این کوشش ها تاکنون شکست خورده است.

ادامه این مقاله عواقب ناگواری برای کردستان و همچنین برای اپوزیسیون عراق خواهد داشت زیرا این دو حزب از عمده ترین بخش های اپوزیسیون عراق محسوب می شوند. اگر جنگ و درگیری آنها ادامه پیدا کند، تمامی احزاب کردستان هم باید انرژی خود را صرف جلوگیری از جنگ آنها و حل مشکلات بین اپوزیسیون بکنند و عملاً هیچ وقت و انرژی برای مبارزه علیه رژیم باقی نمی ماند. جنگ بین احزاب کرد اوضاع را بسیار وخیم کرده است. کشت و کشتارها که در سطح وسیع انجام گرفت بسیار سبعانه و بی رحمانه بود. از یکسو نوعی بدبینی را در مردم بوجود آورده است. از سوی دیگر به دلیل اختلافات ریشه ای، عملکرد دولت خودمختار متوقف شده است. هیچ کاری برای مردم صورت نمی گیرد. این در حالی است که مردم کردستان گرفتار تحریم بین المللی مضاعف هستند. از یک سو تحریم بین المللی علیه عراق که تاثیر خود را بر کردستان نیز می گذارد و از دیگر سو تحریم و بلوکه کردستان توسط دولت بعثی وضعیت بسیار سختی را بوجود آورده است. تحت تاثیر این عوامل کردستان که می توانست به عنوان تخته پرشی برای مبارزه علیه رژیم در طلب دموکراسی بدل بشود، به صحنه وسیع برای فعالیت عوامل صدام حسین تبدیل شده است. عوامل رژیم بانی تعداد زیادی سوء قصد ها، قتل، برب گذاری و ... می باشند.

کوشش های فراوان نیروهای اپوزیسیون عراقی و احزاب کردستان برای آشتی دادن طرفین درگیری متأسفانه موفق نبوده است.

س- برگردیم به اوضاع عراق در کل، اوضاع را

در آینده نزدیک چگونه می بینید؟

ج- دورنمای ما برای آینده عراقی که تمامیت آن حفظ شود، مستقل بماند، توسعه مستقل و دموکراتیک پیدا کند، یک عراق بدون صدام حسین می باشد. بنابراین اولین هدف برای ما رها شدن از شر صدام حسین است. ما خوشبین هستیم که در آینده نزدیک صدام سرنگون خواهد شد بدلیلی که در ابتدای مصاحبه گفتیم پایگاه اجتماعی و داخلی رژیم که بشدت محدود شده است، از نظر بین المللی نیز منزوی است. البته ما بعنوان یک حزب کمونیست معتقدیم که نیروهای داخلی، عامل داخلی تعیین کننده است. ایالات متحده و متحدان آن و برخی قدرت های منطقه در جهت جلو بردن و ایجاد سناریوهای متفاوت برای تغییر رژیم هستند. بعضی از آنها مدعی هستند که می خواهند صدام را برکنار کنند ولی عملاً به صدام کمک می کنند که در قدرت باقی بماند. آنها ترجیح می دهند که صدام باقی بماند، البته ضعیف، تا زمانی که آنها یک آلترناتیو مناسب گیر بیاورند که «منافع حیاتی» آنها را آنچنان که خواستارند تامین کند. عراق معرفی یک موجودیت سیاسی - جغرافیایی - اقتصادی - امنیتی در خاورمیانه بوده و در منطقه رل مهمی دارد. کشورهایی مدعی هستند که برای تغییر رژیم در عراق مبارزه می کنند البته به شرطی که این تغییرات در خط و راستای منافع و خواسته های آنان صورت بگیرد. طرح و برنامه های این قدرت ها در تضاد با خواست های مردم عراق است. همچنین در منطقه نیروهایی هستند که می خواهند در آینده سیاسی عراق شریک بشوند، مساله اردن و نقش اردن مطرح می شود. مساله تقسیم عراق به سه منطقه و ایالت فدرال سنی، شیعه و کرد مطرح است. مساله پیوستن عراق در فدراسیونی با اردن مطرح است. اینها همه طرح های خطرناکی هستند و از سوی اکثریت اپوزیسیون عراق مردود شمرده می شوند. بسیاری طرح ها در رابطه آینده عراق مطرح است که هیچکدام از آنها منافع مردم عراق را در مد نظر ندارد. حزب ما معتقد است که تغییرات در عراق باید از طریق نیروهای داخلی صورت بگیرد. به این معنی که توده مردم و نیروهای مسلح در آن شرکت کنند. از نظر ما این راه مطمئن ترین راه سرنگونی صدام است، بدون اینکه سردرگمی و هرج و مرج در جامعه به وجود بیاید و یا اینکه جنگ داخلی آغاز گردد.

س- رفیق عباوی آیا پیامی برای مبارزان راه صلح و دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران، برای فعالان و مبارزان توده ای و برای خوانندگان «نامه مردم» دارید؟

ج- صادقانه باید بگویم که مبارزه مردم عراق و مردم ایران مبارزه ای واحد است. و برای سال های دراز چنین بوده است. ما علیه دشمن واحدی بیکار می کنیم. آرزوها و خواست های واحدی داریم. علیه رژیم دیکتاتوری مبارزه می کنیم. هر دو حزب علیه ظلم و سرکوب و برای تاسیس دموکراسی و حقوق بشر در کشورهایمان مبارزه می کنند. ما در همان حال که سر بلند از مبارزه کمونیست های عراقی برای سالیان طولانی صحبت می کنیم، سرتنظیم برای مبارزان حزب توده ایران فرود می آوریم. ما به رابطه برادرانه مان با حزب توده ایران افتخار می کنیم. چرا که حزب توده ایران تاریخ جنبش است، حزب توده ایران بخشی از مبارزه مردم ایران است. این مبارزه ای برای رهایی و ترقی است. هر موفقیتی در ایران به ما و مردم ما کمک می کند. مبارزه ما را تسهیل می کند. ما به مبارزه خستگی ناپذیر حزب توده ایران برای استقرار دموکراسی با احترام نظاره می کنیم. این مبارزه باید از سوی همه نیروهای مترقی حمایت شود. حزب ما همیشه از مبارزه حزب توده ایران و همه مردم ایران در جهت کسب حقوقشان حمایت نموده است. ما برای اعضا و کادرهای حزب توده ایران احترام فراوانی قابل هستیم. آنها علی رغم شرایط بسیار دشوار و فشار جهانی به مبارزه ادامه داده اند. و این علی رغم ضربات سنگینی بوده است که توسط ارتجاع به حزب وارد شده است. ما مطمئنیم که حزب توده ایران بار دیگر پیشاهنگ مبارزه برای دستیابی به دموکراسی و صلح و عدالت اجتماعی خواهد بود.

ما همبستگی خود را با مبارزه تمامی ترقی خواهان ایران و بخصوص حزب توده ایران اعلام می داریم.

حزب توده ایران یورش به مراسم ختم سیاوش کسرایی در تهران را محکوم می کند

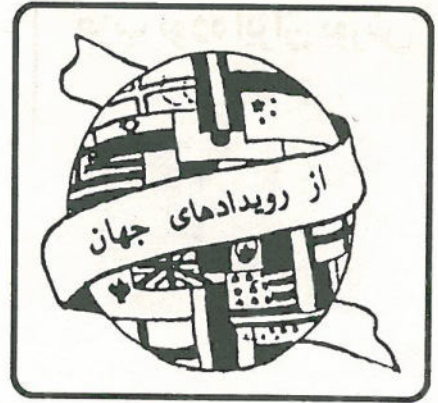
بر اساس گزارش های رسیده از تهران مراسم ختم سیاوش کسرایی که توسط خانواده و دوستان او در مسجد «حجت بن حسن عسگری» در خیابان سهروردی تهران برگزار می گردید، مورد یورش اوباشان و مزدوران رژیم قرار گرفت. در این مراسم که گروه انبوهی از دوستان و آشنایان کسرایی در درون و بیرون مسجد اجتماع کرده بودند، بسیاری از شخصیت های ادبی، هنری و سیاسی کشور نیز حاضر بودند که در یورش چاقو کشان رژیم مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. علی رغم اینکه این مراسم اجازه رسمی از سوی مقامات رژیم دریافت کرده بود، در پی یورش چاقو کشان «حزب الهی» ماموران امنیتی در محل مراسم حضور یافتند و به پراکندن مردم مشغول شدند.

یورش مزدوران ارتجاع به مراسم ختم سیاوش کسرایی، شاعر بزرگ خلقی میهن ما نشان می دهد که رژیم «ولایت فقیه» حتی از مرگ میهن دوستان و آزادی خواهان در هراس است و آماده است تا به کثیف ترین و غیر انسانی ترین شیوه ها، از جمله یورش مسلحانه به حاضران در یک جلسه ختم متوسل شود.

یورش چماق داران رژیم به مراسم ختم سیاوش کسرایی در عین حال نشانگر وحشت عمیق مرتجعان حاکم از هرگونه تجمع مردم است که در شرایط نارضایتی وسیع توده ها می تواند به جرقه برخورد های وسیع تر تبدیل شود. حزب توده ایران این یورش وحشیانه چماق داران «حزب الله» به مراسم ختم سیاوش کسرایی را به شدت محکوم می کند و با خانواده کسرایی و حاضران در این جلسه ابراز همدردی می نماید.

مراسم ختم کسرایی در وین

مراسم ختم سیاوش کسرایی در وین (محل درگذشت او) که توسط خانواده و دوستان او سازماندهی شده بود، با حضور صدها تن از ایرانیان مقیم اتریش، از جمله اعضا و هواداران حزب توده ایران برگزار شد. در این مراسم شاعر بزرگ میهن مان ابتهاج (سایه) سخنانی در بزرگداشت کار پربار کسرایی به عنوان یک شاعر متعهد و مبارز ایراد کرد.



گردهم آیی بزرگ نیروهای چپ در فرانسه

اولین گردهمایی «مجمع ملی چپ» به ابتکار حزب کمونیست برگزار گردید. در این جلسه عمومی که با حضور تعداد کثیری از فعالان کارگری در شهر بندری ماری در جنوب فرانسه برگزار شد. رهبران احزاب کمونیست، سوسیالیست، سوسیالیست های چپ، سبزه های رادیکال و احزاب تروتسکیست سخنرانی کردند. تمامی شرکت کنندگان هم نظر بودند که اتحاد برای بازسازی چپ، شکست دادن دولت ائتلافی دست راستی کنونی و تدوین یک برنامه روشن تغییرات واقعی ضروری می باشد. حزب کمونیست فرانسه مصمم است که در چند ماه آینده جلسات مشابهی در سایر شهرهای فرانسه برگزار کند.

مخالفت اتحادیه های کارگری با واگذاری صنایع به

بخش خصوصی در آفریقای جنوبی

اتحادیه های کارگری مخالفت کامل خود را با طرح دولت برای واگذاری موسسات و صنایع بخش خصوصی اعلام کرده اند. بر اثر مبارزه اتحادیه های کارگری دولت مجبور به تشکیل یک کمیته دوجانبه از نمایندگان اتحادیه های کارگری و وزارتخانه های مربوطه برای مطالعه نقش و آینده بخش دولتی گردیده است. رفیق سام شیلووا، دبیر کل کنفدراسیون اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی اظهار داشت که: هیچ جامعه ای در جهان از خصوصی سازی سود نبرده است.

*** دولت آفریقای جنوبی در روز ۲۵ بهمن**

ماه طرح های همه جانبه ای را که به منظور کاهش ساعات کار کارگران، گسترش حفاظت قانونی کارگران، بالا بردن نرخ اضافه کاری و نیز بهبود شرایط کاری برای کارگران زن تدوین شده اند، اعلام کرد. آقای تیتو مבוوینی، وزیر کار گفت که قانون جدیدی که تمامی مسایل بالا را در برخواهد گرفت و جایگزین قانون فعلی خواهد شد در ماه خرداد به کابینه ارائه شده و در پارلمان مطرح خواهد گردید.

قانون جدید با هدف تشویق ایجاد اشتغال، انعطاف بیشتر در کارگاه ها و به منظور کاهش نرخ بیکاری که در حال حاضر بالغ بر ۲۳٪ نیروی کار فعال می باشد تدوین گردیده است. آقای مبودینی هم چنین اعلام کرد که قانون کار جدید مکانیزم های جدید و ترقی خواهانه ای را

برای حل اختلافات کارگری مطرح می کند و به کارگران حقوق بیشتر و قانونی در تصمیم گیری در امور مربوط به محل های کار خود می دهد، از روز اول ماه مه به مرحله اجرا گذاشته خواهد شد.

نیروهای چپ از کاندیداتوری زیوگائف در انتخابات ریاست جمهوری پشتیبانی کردند

رهبران ۱۷ سازمان و جنبش چپکرای اپوزیسیون منجمله ویکتور آنتیولوف، رهبر «روسیه کارگران» موافقت کردند که از کاندیداتوری کنادی زیوگائف، رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه، در انتخابات ریاست جمهوری حمایت کنند (مطبوعات روسیه ۲۲ بهمن ماه). اجلاس جنبش های ناسیونالیستی که در سن پترزبورگ تشکیل شده بود در مورد یک کاندیدای واحد موفق موافقت نشد. برخی گروه ها منجمله «پامیات» و «حزب جمهوری خواهان ملی روسیه» حمایت خود را از کاندیداتوری زیوگائف اعلام کردند. لیکن ادوارد لیمونوف، نوولیس مهاجر که سمت رهبری حزب «بلشویک ملی» را با خود یدک می کشد، زیوگائف را به اتهام اینکه یک کمونیست واقعی نمی باشد مورد حمله قرار داد. لیمونوف در میان حیرت همگانی از نیروهای ناسیونالیست خواست که از انتخابات مجدد بوریس یلتسین حمایت کنند. حزب کمونیست فدراسیون روسیه اعلام کرده است که تاکنون ۱/۴ میلیون امضاء در حمایت از کاندیداتوری زیوگائف جمع آوری کرده است. تعداد لازم امضاء برای کاندیداتوری یک میلیون است.

* علی رغم اظهارات اولیه یلتسین و مشاورانش که پیروزی کمونیست ها در انتخابات دوما در آذر ماه هیچ تاثیری بر روند تصمیم گیری دولت نخواهد داشت، برخی تصمیم گیری های وزرای اصلی کابینه در مورد عرصه های رفاه اجتماعی، سیاست خارجی، امور دفاعی و همچنین برکمراری برخی چهره های جدید در کابینه ناشی از این حقیقت است که دولت روسیه سعی دارد به هر بهایی شده حمایت برخی از اقشار اجتماعی که دولت یلتسین را به بی لیاقتی اقتصادی، سرسپردگی به غرب و فراموش کردن منافع روسیه متهم می کنند، به خود جلب کند.

در همین رابطه در ۲۰ بهمن ماه وزیر دفاع روسیه، پاول گراچف در یک کنفرانس مطبوعاتی در پایان بازدید رسمی دو روزه اش از بلگراد گفت که روسیه «اقدامات مناسب» را به منظور مقابله با توسعه و بزرگ شدن ناتو اتخاذ خواهد کرد. گراچف اظهار کرد که اگر ناتو اعضای جدیدی را قبول کند روسیه «شروع به جستجوی شرکایی در اروپای شرقی و مرکزی و در کشورهای مشترک المنافع (اتحاد شوروی سابق) با هدف پایه گذاری و تاسیس یک اتحادیه نظامی- سیاسی خواهد کرد». از نتایج دیگر بازدید گراچف از بلگراد امضاء یک موافقتنامه همکاری نظامی دوجانبه بود، که براساس آن روسیه در مورد تامین وسایل یدکی و اجزاء اسلحه های سیستم تسلیحاتی شوروی به

بلگراد کمک خواهد کرد و همچنین اسلحه های جدید به بلگراد خواهد فروخت. برطبق موافقتنامه دایتون در مورد اتهام مخاصمات در بوسنی-هرزگوین، یوکسلاوی مجاز خواهد بود که از تاریخ ۲۲ اسفند به خرید «سلاح های تدافعی» اقدام کند.

پایان روند صلح در ایرلند شمالی

انفجار دو بمب پر قدرت در لندن عملا بر کوشش هایی که جهت پیشبرد روند صلح در ایرلند شمالی در جریان بود نقطه پایان گذاشت. بمب اول که در ۲۰ بهمن ماه به دنبال انتشار بیانیه ارتش جمهوری خواهان ایرلند مبنی بر اختتام آتش بس ۱۷ ماهه در مبارزات مسلحانه آن علیه حضور امپریالیسم بریتانیای کبیر در ایرلند شمالی در یک مرکز اداری- تجاری مدرن منفجر شد، بیش از ۸۰۰ میلیون پوند خسارت مالی ببار آورد، به کشته شدن دو نفر و زخمی شدن صدها نفر بی گناه منجر شد. پایان آتش بس عملا دولت انگلیس را وارد بحران جدیدی کرد.

علی رغم کوشش های دولت محافظه کار برای اینکه تمامی تقصیر از سرگیری برخوردهای خونین را بدوش ارتش جمهوری خواهان ایرلند بیندازد، حقیقت اینست که موضع گیری ها و اقدامات دولت انگلیس مستقیما بانی این شکست پروسه صلح بودند. اکثریت مردم ایرلند، نیروهای سیاسی مردمی و ترقی خواه ایرلند، چه در بخش شمالی آن که زیر کنترل انگلیس است و چه در جمهوری ایرلند جنوبی، و همچنین افکار بین المللی بطور یکپارچه ای خواستار یک راه حل دموکراتیک برای خاتمه دادن به حضور نظامی- سیاسی و اقتصادی امپریالیسم کهنه کار انگلیس می باشند. ولی بخشی از ارجحی ترین محافل حاکمه انگلیس که خروج از ایرلند شمالی را عملا پایان «امپراطوری استعماری» می دانند و به هیچ وجه نمی توانند به چنین عاقبتی رضایت بدهند. در تمامی طول ۱۷ ماهه آتش بس سعی داشته اند تا روند صلح را از مجرای صحیح و عادلانه خارج کنند که شاید برای چند صباحی، بهر صورت شده نفوذ خود بر ایرلند شمالی را حفظ کنند.

تبرئه کمونیست ها از اتهامات وارده در بلغارستان

در ۲۰ بهمن ماه تئودور ژیکوف، رهبر کمونیست پیشین بلغارستان، از اتهام اختلاس و دست بردن در ۲۱ میلیون دلار منابع دولتی در دوران حکومتش مبرا شناخته شد. ۳ سال قبل در اوج هیستری ضد کمونیستی غالب ژیکوف به همین اتهام مجرم شناخته شد و به ۷ سال زندان محکوم شد. دیوان عالی کشور رأی چهار سال قبل دادگاه رسیدگی را علیه ژیکوف ملغی اعلام و برائت او را صادر کرد.

در ۲۱ بهمن ماه روزنامه های بلغارستان اعلام کردند که میلکو بالف، مشاور پیشین ژیکوف و عضو هیأت سیاسی حزب کمونیست بلغارستان نیز از اتهامات مبرا شناخته شد.



یک برنامه حداقل است. ما می خواهیم که از طریق دیالوگ ملی این مسایل را با اپوزیسیون در میان بگذاریم متأسفانه ما دریافته ایم که این کار بسیار مشکلی است و علت اصلی آن هم جمع شدن روابط منفی و تجربیات غیر موفق گذشته... می باشد. همچنین باید در نظر داشت که بسیاری از نیروهای سیاسی خود را در خط قدرت های منطقه ای محسوب می کنند و نمی توانند یک موضع مستقلی داشته باشند. مشکل دیگر اینست که اکنون بسیاری از نیروهای اپوزیسیون در خارج از عراق زندگی می کنند، عملاً بسیار دور از مردم و بی ارتباط با احساسات مردم. این نیروها حاضرند که مدت های مدیدی در خارج به بحث و جدل مشغول باشند ولی حاضر نیستند که به داخل کشور بیایند و به عمل و مبارزه حقیقی در داخل کشور بییوندند. یعنی جایی که باید باشند. و این یکی از شرایطی است که ما فکر می کنیم برای اپوزیسیون مهم است که در ارتباط زنده با مردم و شرایط کشور باشند. ما جبهه و اتحادهای خارج از کشور را نمی خواهیم. ما جبهه ای می خواهیم که در درون کشور پایگاه دارد. جایی که بتواند نزدیک مردم باشد، مردم را بسیج کند. در چنین صورتی برخورد های سیاسی ما می تواند برای مردم قابل قبول باشد، منعکس کننده خواست آزادانه مردم خواهد بود. بدون این تمامی تلاش ها می تواند به شکست منجر شود.

ما سخت در تلاش برای حل این معضل هستیم. اخیراً جلسات فراوانی در لندن، دمشق و کردستان در رابطه با گردآوردن اپوزیسیون تشکیل شد. ما موفق شدیم یک کمیته هماهنگی برای اپوزیسیون در لندن تشکیل بدهیم و کمیته های مشابهی هم در فرانسه، بلغارستان و سوئد بوجود آمده است. ما فکر می کنیم این کمیته ها بتوانند جهت نزدیک کردن و گرد هم آوردن اپوزیسیون نقش مثبتی ایفا کنند.

البته من تردید دارم که نتیجه این درآینده نزدیک بدست آید. نه اینکه هیچ دستاوردی نداشته ایم. برخی فعالیت های مشترک دوجانبه و یا چند جانبه وجود دارند، این بویژه در کردستان و در داخل کشور در عمل علیه رژیم صدام حسین صورت می پذیرد

س- رفیق در رابطه با سوال پیش به کردستان اشاره کردید، لطفاً اوضاع کردستان را، امکانات و آینده دولت خودمختار کرد را برای خوانندگان ما تشریح کنید.

ادامه در ص ۶

مصاحبه «نامه مردم» با رفیق لبید عباوی

عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

یافتن راهی برای رهایی از گرسنگی است. آنها از سرکوب می ترسند، مخصوصاً خاطره قیام مردم در سال ۱۹۹۱ هنوز در ذهن آنها تازه است.

با این حال نیروهای سیاسی در کنار دیگر فعالیت ها، خود را آماده نگاه داشته اند که به محض پیدایی وضعیت سیاسی مناسب، در شرایطی باشند که بتوانند خیزش عمومی و توده ای را سازمان بدهند. از سوی دیگر تحولات اخیر نشان می دهد که رژیم روز به روز ضعیف تر می شود. و بخش هایی از پایگاه قدرت خود را از دست می دهد. ارتش عملاً علیه صدام است. حزب بعث از وضعیت خسته است و قبایل (صدام سعی داشت قبیله گرایی را تقویت کند) اکنون از او رویگردان شده اند، به ویژه در برخی نواحی عراق که قبلاً مناطق امنی برای رژیم محسوب می گردید. جالب این است که در سال ۱۹۹۱، در قیام مردم این قبایل به جنبش مردمی نیوستند ولی حالا علیه صدام شده اند. صدام برای باقی ماندن در قدرت به حمایت گارد ملی، نیروهای امنیتی مخصوص و حمایت خانواده و قبیله اش متکی بوده است لیکن برخی از اجزای این حمایت اکنون به او پشت می کنند. علی رغم این حقیقت که رژیم روز به روز ضعیف تر می شود نیروهای اپوزیسیون در وضعیت مناسبی نیستند که از شرایط به درستی استفاده کنند.

س- نظر حزب شما درباره اپوزیسیون، وضعیت آن و همچنین نقشی که حزب در آن ایفا می کند چیست؟

ج- اپوزیسیون عراق متأسفانه با اتخاذ یک پلاتفرم مشترک در رابطه با سرنگون کردن رژیم با مشکل مواجه است. البته همه نیروهای اپوزیسیون خواهان سرنگونی صدام و سپس یک دوران گذار برای تدارک انتخابات قانون گذاری هستند. ولی همین نیروها وقتی با هم جمع می شوند نمی توانند توافق کنند. به جرات می توانم بگویم که حتی تلاش اینکه آنها را گرد هم بیاوریم به شکست می انجامد.

اپوزیسیون عراق در رابطه با عمل متحد و مساله جبهه تجربیات بسیاری را (از سال ۱۹۸۰) پشت سر گذاشته است. تجربیات مثبتی وجود دارد. متأسفانه وقتی که مساله عمل مشخص مطرح می شود، مشکلات فراوانی نیز مطرح می شود که به شکست این تجربیات مثبت می انجامد. یک مورد اخیر آن تشکیل کنگره ملی عراق بود. این هم عملاً به شکست انجامید. حزب ما خواستار دیالوگ ملی همه نیروهای سیاسی اپوزیسیون شده است. ما از همه گرایش های درون جنبش مخالف رژیم دعوت کرده ایم که به منظور بحث و تحلیل علت عدم توانایی اپوزیسیون در تشکیل جبهه واحد گرد هم آیند. ما می خواهیم که این گرد همایی تجربیات گذشته را ارزیابی کند و سعی کند یک برنامه عمل تدوین کند، یک برنامه عمل حداقلی. ما پیشنهاد دو نکته اصلی را برای این برنامه کرده ایم. نخست سرنگونی صدام حسین و دوم تشکیل یک دولت ائتلافی دوران گذار پس از سرنگونی صدام. برای این دوران ما خواستار تضمین یک سیستم دموکراتیک، احترام به حقوق بشر، نظم و قانون و گذار مسالمت آمیز و تدارک دموکراتیک انتخابات مجلس قانون گذاری می باشیم. این

اخیراً دیداری بین هیأت های نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق انجام پذیرفت که ضمن بررسی و تبادل نظر در باره تحولات منطقه و اوضاع کردستان و مشکلات و نتایج «تحریم اقتصادی عراق»، روابط دو حزب و طرق تقویت عملی آن مورد توجه قرار گرفت.

در این ملاقات خبرنگار «نامه مردم» مصاحبه ای با رفیق لبید عباوی، عضو هیأت سیاسی حزب کمونیست عراق انجام داد که جستارهایی از آن جهت اطلاع خوانندگان «نامه مردم» در ادامه درج می شود.

س- رفیق عباوی، لطفاً در ابتدا خوانندگان نامه مردم را در جریان تحولات عراق و به ویژه تحلیل حزب در این رابطه بگذارید

ج- قبل از هر چیز باید بگویم که دوران بسیار حادی را از سر می گذرانند. این بحران عملاً همه عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مالی و اخلاقی (فرهنگی) را در بر می گیرد. و رژیم قادر نیست که بر آن غلبه کند، این بحران نتیجه سیاست های رژیم دیکتاتوری و ادامه سیاست سرکوب است. رژیم با سرکوب هرگونه تلاشی در جهت یابی یک راه حل مردمی و دموکراتیک عملاً بحران را حادتر می کند. مساله اینست که برون رفت از بحران و پایین کشیدن صدام از اریکه قدرت به نوعی با هم گره خورده اند و یکی به دیگری می انجامد.

نیروهای اپوزیسیون که برای دموکراتیزه کردن جامعه مبارزه می کنند، مسیری جز مبارزه علیه رژیم ندارند.

سیاست اقتصادی صدام حسین شکست خورده است و مردم عراق در نتیجه این سیاست ها عملاً با گرسنگی بی سابقه، عدم وجود امکانات اولیه مواجه هستند. قدرت خرید دینار عراقی تقریباً از بین رفته است. سیاست تحریم اقتصادی علیه عراق، فشاری خارج از حد تحمل بر مردم وارد می کند. ایالات متحده و متحدانش درک نمی کنند که ادامه سیاست تحریم اقتصادی فقط به مردم فشار می آورد و مقصر اصلی که صدام حسین است از آن به نوعی برای توجیه و تداوم حاکمیت سرکوب استفاده می کند.

وضعیت وخیم اقتصادی به رشد بی سابقه مشکلات اجتماعی در کشور انجامیده است. این بسیار روشن است که مردم می توانند ریشه مشکلات را دریابند مادامی که صدام در قدرت باقی است تحریم پابرجا خواهد بود و این به معنای باقی ماندن فشار و رنج بیشتر خواهد بود. این وضعیت چنان مردم را از اوضاع بیزار کرده است که آماده اند بهر کاری دست بزنند تا از این بحران نجات یابند. این وضعیت می تواند به انفجار توده ای علیه رژیم منتهی شود. معضل اصلی اینجاست که علی رغم چنین وضعیتی عنصر تشکل و امکان سازماندهی اعتراضات و خشم توده ای بسیار ضعیف است.

همه علیه رژیم صدام صحبت می کنند. ولی آماده نیستند هیچ گونه اقدامی بکنند زیرا مشغولیت آنها

NAMEH MARDOM: No:474

27 February 1996

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

1- Postfach 100644 , 10566 Berlin, Germany

2- B.M.Box 1686, London WC1N 3XX, UK

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام

790020580 شماره حساب

10050000 کد بانک

Berliner بانک

Sparkasse